

که در حکم فی کرم ان اول و دوم در بیان حضرت
 که در این بیان و هر اول و دوم در بیان حضرت
 که در این بیان و هر اول و دوم در بیان حضرت

عوالم محقق بود لقوله عليه السلام كُنْتُ وَبِنَاؤِ آدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَالْطِّينِ وَحِينَ يَبْشُرُ بِأَيِّ
 آيَةٍ أَطْهَرَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ بِسْ إِشَانِ حِجَّتِ آبِي يَبْشُرُ بِرَجْمِ مَخْلُوقَاتِ دَرَجِيعِ عَوْلَمِ
 بِسْ حِجَّتَيْ آلِهِتِهِ بَايِدُ دَرَجِيعِ عَوْلَمِ تَتَرَلِ نَمَايِنْدُ وَمَعَارِفِ آلِهِتِهِ وَاحْكَامِ سَجَانِيَةِ رَا
 بَاهِلِ آن عَالَمِ بِرَسَانِدِلَانِ لَا يَكُونُ لِشَايِسِ عَلِيٍّ اَلشَّيْءُ اَلْحُجَّةُ كَمَا تَمَامِ حِجَّتِ شَدِيدِ
 هَذَا إِشَانِ بِسْ اَزْ خَلْقِ آدَمِ حِجَّتِ خَدَا بِرِ مَخْلُوقَاتِ بُوْدِنْدُ قَبْلِ اَزْ آدَمِ وَدَرِ عَالَمِ
 خَلْفِ آدَمِ هَمِ حِجَّتِ آلِهِتِهِ بُوْدِنْدُ بِرَاهِلِ اِيْنِ عَالَمِ وَبَعْدِ اَزْ اُوْهُمِ حِجَّتِ خَدَا يَبْشُرُ
 اِيْلِ عَوْلَمِ مُتَعَدِّدِهِ مُخْتَلَفِهِ كَبَعْدِ خَلْقِ عِيْشُوْنْدُ بَعْدِ اَزْ اِنْقِضَاؤِ قِيَامَتِ اِيْنِ عَالَمِ چنانچه
 خَيْرِ اَلْاَصْفِيَاءِ وَقَايِدِ اَلْاَوْلِيَاءِ اَلطَّهْرِ اَلتَّقِيِّ حَضْرَتِ اِمَامِ عَلِيِّ اَبِي اَلتَّقِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَرِ حَقْرَتِ
 زِيَارَتِ جَامِعَةِ كَبِيْرِهِ دَرِ مَجْ حَضْرَتِ اِيْمَةِ اَطْهَارِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَلشَّهْدَةُ الْمَلَكِ اَلْقَفَّارِ مَعْرُوفًا
 وَحُجَّةً عَلَيَّ اِيْلِ اَللَّهِ نِيَا وَاَلْاٰخِرَةُ وَاَلْاٰخِرَةُ وَاَلْاَوَّلِيٌّ بِعِنِي مَعَا شَرَا اِيْمَةُ هَدِيٍّ حِجَّتَيْ
 آلِهِتِهِ يَبْشُرُ بِرَاهِلِ دُنْيَا وَبِرَاهِلِ آخِرَتِ وَبِرَاهِلِ اُوْلِيَّتَيْهَا بِسْ حِجَّتِ بُوْدِنِ اِيْشَانِ
 اِيْنِ اِسْتِ كِهْ اَحْكَامِ آلِهِتِي رَا بِخَلْقِ بِرَسَانِدِ خَدَا وَصِفَاتِ اَفْعَالِ اُوْرَا تَعْرِيفِ اَزْ بَرَا
 خَلْقِ نَمَايِنْدُ وَمَرُومِ رَا بَرَاهِ حَقِّ وَصَدَقِ وَصَعْفَتِ تَوْحِيدِ ذَاتِي وَصِفَاتِي وَافْعَالِي
 بَدَارِنْدُ وَ اِيْشَانِ رَا بَعْبَادَتِ وَرِطَاعَتِ وَانْقِيَادِ وَعَلِيَّاتِ تَكْلِيْفِيَةِ اَزْ فَعْلِيَةِ وَتَوْحِيدِ
 بَدَارِنْدُ وَ اُوْرَا بِرِشْتِشِ نَمَايِنْدُ وَ تَوْحِيدِ خَلْقِي وَ عِبَادَتِي اُوْرَا بَدَارِنْدُ وَ اِنچه خَدَا اَزْ بِنْدِ كَا
 خُوْدِ خَوَاسْتِه اِسْتِ بَا اِيْشَانِ بِرَسَانِدِ چُوْنِ وَ مَطْلَبِ فَيُوضَاتِ نَا قَا حِيَةِ آلِهِتِهِ دَرِ حِيَانِ خَدَا
 وَ خَلْقِ يَبْشُرُ دَرِ رَجْمِ عَوْلَمِ زِيْرَا كِهْ اِيْشَانِ عِلَّتِ فَائِي وَ جُوْدِ خَلْقِنْدُ وَ اَوَّلِ مَوْجُوْدِيَّتِ

صاحب این بیان میفرماید
 در این بیان و هر اول و دوم در بیان حضرت
 که در این بیان و هر اول و دوم در بیان حضرت
 که در این بیان و هر اول و دوم در بیان حضرت

که در این بیان و هر اول و دوم در بیان حضرت
 که در این بیان و هر اول و دوم در بیان حضرت
 که در این بیان و هر اول و دوم در بیان حضرت

و مخلوقات الهیه باشد و هر فیضی که از مبدأ فیض ظاهر شود اول بایشان افاضه
میکرد و بعد از ایشان بخلایق و سایر موجودات تعدی میکند و بواسطه ایشان هر
کس هر چیز بقدر قابلیت و کتایش او باو میرسد و اول و آخر و وسط و اصل و فرع
و فرج و مآوی و قهار جمیع خیرات و منبرات میباشد در جمیع عوالم سابقه و لاحق و
متوسطه از عالم خلق اول ابداع است و عالم نور و عالم شج و مقدار و مثال و عالم
سیر در انوار و بحار و سردقات اسرار و عالم ذر و عالم تزلزلات و ترقیات بدرجات
مختلفه و عالم اصلاب آباد و آرامات و عالم دنیا و عالم رحمت و قیامت و
و عالم آتیه بعد از قیامت و باید ایشان در عالم طپکس خلقی اهل آن عالم معارف
الهیة و تکالیف سبحانیة و احکام خدائیه را بر نوع و صنف و جنس مخلوق برسانند
زیرا که واسطه فیض علت غائی اشیا و موجودات و مخلوقات میباشد و در
نیدن ایشان احکام معارف را بخودی خود با نفس ظاهر میشود و بواسطه و مقدمات
شود و در بعض اوقات خود ایشان بلا واسطه و مقدمات میرسانند اما بواسطه بودن
ایشان این است تصرف و یاری انبیا و اولیاء را بنمودند در دنیا پیش از بروز ظهور
ایشان لهذا خطاب مستطاب بحضرت رسول رب الارباب فرمود که من غیب
بعلی علیه السلام مؤید و منصور می نمودم سر او تو را با و تا ناید و نصرت نمودم چه پس
مراد از اهل دنیا جمیع مافی الدنیا است از اول خلقت دنیا تا آخر دنیا پس ایتمه بدی
مجموعه ای آتیه بر اهل دنیا میباشد از اول دنیا تا روز قیامت لهذا باید آنها احکام معارف

و بعد از آنکه از اول خلقت دنیا تا آخر دنیا پس ایتمه بدی
مجموعه ای آتیه بر اهل دنیا میباشد از اول دنیا تا روز قیامت لهذا باید آنها احکام معارف
الهیة و تکالیف سبحانیة و احکام خدائیه را بر نوع و صنف و جنس مخلوق برسانند
زیرا که واسطه فیض علت غائی اشیا و موجودات و مخلوقات میباشد و در نیدن ایشان
احکام معارف را بخودی خود با نفس ظاهر میشود و بواسطه و مقدمات شود و در بعض اوقات
خود ایشان بلا واسطه و مقدمات میرسانند اما بواسطه بودن ایشان این است تصرف و یاری
انبیا و اولیاء را بنمودند در دنیا پیش از بروز ظهور ایشان لهذا خطاب مستطاب بحضرت
رسول رب الارباب فرمود که من غیب بعلی علیه السلام مؤید و منصور می نمودم چه پس
مراد از اهل دنیا جمیع مافی الدنیا است از اول خلقت دنیا تا آخر دنیا پس ایتمه بدی
مجموعه ای آتیه بر اهل دنیا میباشد از اول دنیا تا روز قیامت لهذا باید آنها احکام معارف

و مخلوقات الهیه باشد و هر فیضی که از مبدأ فیض ظاهر شود اول بایشان افاضه
میکرد و بعد از ایشان بخلایق و سایر موجودات تعدی میکند و بواسطه ایشان هر
کس هر چیز بقدر قابلیت و کتایش او باو میرسد و اول و آخر و وسط و اصل و فرع
و فرج و مآوی و قهار جمیع خیرات و منبرات میباشد در جمیع عوالم سابقه و لاحق و
متوسطه از عالم خلق اول ابداع است و عالم نور و عالم شج و مقدار و مثال و عالم
سیر در انوار و بحار و سردقات اسرار و عالم ذر و عالم تزلزلات و ترقیات بدرجات
مختلفه و عالم اصلاب آباد و آرامات و عالم دنیا و عالم رحمت و قیامت و
و عالم آتیه بعد از قیامت و باید ایشان در عالم طپکس خلقی اهل آن عالم معارف
الهیة و تکالیف سبحانیة و احکام خدائیه را بر نوع و صنف و جنس مخلوق برسانند
زیرا که واسطه فیض علت غائی اشیا و موجودات و مخلوقات میباشد و در
نیدن ایشان احکام معارف را بخودی خود با نفس ظاهر میشود و بواسطه و مقدمات
شود و در بعض اوقات خود ایشان بلا واسطه و مقدمات میرسانند اما بواسطه بودن
ایشان این است تصرف و یاری انبیا و اولیاء را بنمودند در دنیا پیش از بروز ظهور
ایشان لهذا خطاب مستطاب بحضرت رسول رب الارباب فرمود که من غیب
بعلی علیه السلام مؤید و منصور می نمودم سر او تو را با و تا ناید و نصرت نمودم چه پس
مراد از اهل دنیا جمیع مافی الدنیا است از اول خلقت دنیا تا آخر دنیا پس ایتمه بدی
مجموعه ای آتیه بر اهل دنیا میباشد از اول دنیا تا روز قیامت لهذا باید آنها احکام معارف

و بعد از آنکه از اول خلقت دنیا تا آخر دنیا پس ایتمه بدی
مجموعه ای آتیه بر اهل دنیا میباشد از اول دنیا تا روز قیامت لهذا باید آنها احکام معارف
الهیة و تکالیف سبحانیة و احکام خدائیه را بر نوع و صنف و جنس مخلوق برسانند
زیرا که واسطه فیض علت غائی اشیا و موجودات و مخلوقات میباشد و در نیدن ایشان
احکام معارف را بخودی خود با نفس ظاهر میشود و بواسطه و مقدمات شود و در بعض اوقات
خود ایشان بلا واسطه و مقدمات میرسانند اما بواسطه بودن ایشان این است تصرف و یاری
انبیا و اولیاء را بنمودند در دنیا پیش از بروز ظهور ایشان لهذا خطاب مستطاب بحضرت
رسول رب الارباب فرمود که من غیب بعلی علیه السلام مؤید و منصور می نمودم چه پس
مراد از اهل دنیا جمیع مافی الدنیا است از اول خلقت دنیا تا آخر دنیا پس ایتمه بدی
مجموعه ای آتیه بر اهل دنیا میباشد از اول دنیا تا روز قیامت لهذا باید آنها احکام معارف

درین خط بین خلقت ایشان
بچنان باروت در پیش
بجهت زوال عین کمال
که در دنیا پدید آید
بصفت زوال انداز
بجهت سستی کمال
که در دنیا پدید آید

بیان میفرماید تا آنکه ظاهر شود و خلافت را از میان بردارد و بعد از او باز آید هدی
بدنیار جمع میکنند در زمان بصحت و معارف و احکام الهی را بجا میسرسانند و
آن زمان دولت ایشان خواهد بود تا قیامت و این طاهوس علیه الرحمه در بعضی کتب
نموده است از آل محمد مینماید که مدت عمر دنیا صد هزار سال است از اول خلقت
آدم تا قیامت و برادر الهی ششاد هزار سال او مختص سلطنت و پادشاهی و حکومت
حقه محمد و آل محمد است تا که احدی با ایشان شریک نخواهد بود و سهم با ایشان نباشد
و مدت عیست هزار سال او با دیگران است و این مدت اشتراک غیر با ایشان است
از انبیاء و ملوک و سایر ناس و از اول خلقت آدم تا بحال قریب به هزار سال
از دنیا گذشته تخمیناً و مدته نو سال دیگر تا قیامت باقی ماند است که باید ششاد هزار سال
او در آل محمد سلطنت نمایند و حجت الهیه را بخلق برسانند و تمام کنند و لکن بعضی
از طوایف بنی آدم اختلافات دیگر در عمر و دنیا نموده است آن جمله طایفه هندیه میگویند
میگویند که خداوند عالمیان اول بر مینا را خلق نمود و نظام عالم را با او اگذار فرمود و عمر
او را صد سال قرار داده است و هر سال از او را سیصد و شصت روز قرار داد
و هر روزی سه لک و بیست هزار سال است و هر لک او صد هزار سال است تا
و الا یضاً میگویند از ابتدا خلقت عالم تا این زمان عیست و یک بر میا با این عمر
گذشته است و از عمر این بر میا که حال میباشد در عالم پنجاه روز و نصف روز او گذشته
و حال شروع بنصف دیگر آن روز نموده است با وجود این گلات قابل شده اند

در این خط بین خلقت ایشان
بچنان باروت در پیش
بجهت زوال عین کمال
که در دنیا پدید آید
بصفت زوال انداز
بجهت سستی کمال
که در دنیا پدید آید

در این خط بین خلقت ایشان
بچنان باروت در پیش
بجهت زوال عین کمال
که در دنیا پدید آید
بصفت زوال انداز
بجهت سستی کمال
که در دنیا پدید آید

کلامی که در این کتاب است از کلام
 قدس سره است و در این کتاب
 از کلام قدس سره است و در این کتاب
 از کلام قدس سره است و در این کتاب

قدیم بودن این عالم و دنیا و همه این کلمات و ایهها و بعضی دیگر کلمات دیگر گفته
 اند که این عبادت تحمل ذکر آنها را ندارد و اما حجت بودن ائمه هدی علیهم السلام برای
 پیش از دنیا و برای اهل آخرت این است که مراد از اهل پیش از دنیا عوالمی است که نماندند
 آنها را بعد از خلقت نور محمد و آل محمد خلق فرمود است و ائمه هدی علیهم السلام در آن
 عالم بیاسس آن عوالم در میان ایشان ظهور و بروز نموده و معارف حق را بایشان
 تلقین نموده ایشان را بنجد پرستی هدایت نمودند و صفات شریفه و سلویه الهیه را
 بایشان شناسانیدند و چون خلق بیاسس آن عالم را از خود کردند که او را مردن میکنند
 و در قرب جوار رحمانی و رحمت یزدانی رجوع نمودند که این را رجوع الی الله میگویند
 پس خداوند از برای آن عالم و اهل آن عالم دوره ایشان بسر رفت قیامت ایشان
 برپا شده و حساب ایشان کرده شد و اهل بهشت ایشان و اهل جهنم ایشان
 داخل جهنم چنانچه حضرت صادق علیه السلام میفرماید ما خلق از جنه شد خلقت
 من اهلها و ما خلق انما رمت خلقت من اهلها و عالم ایشان طی شد خداوند عالم دیگر
 و اوضاع دیگر و مخلوقی به حیث و شکل و صورت و طبیعت و ماده و خلقت و نفس دیگر
 دیگر خلق فرمود و حضرات ائمه هدی علیهم السلام بیاسس اهل آن عالم در میان رفته ایشان
 براه حق هدایت نموده معارف و احکام و تکالیف الهیه را بایشان رسانیدند و
 از سر آمدن زمان ایشان خلق آن لباس را نموده از میان ایشان بیرون رفتند تا آنکه
 آن مابسر رفت و قیامت ایشان برپا شد و اهل بهشت و جهنم ایشان در جای خود قرار

چون خداوند در این کتاب
 کلامی که در این کتاب است
 از کلام قدس سره است و در این کتاب
 از کلام قدس سره است و در این کتاب
 از کلام قدس سره است و در این کتاب

کلامی که در این کتاب است از کلام
 قدس سره است و در این کتاب
 از کلام قدس سره است و در این کتاب
 از کلام قدس سره است و در این کتاب

عالمی از خلق خواهد بود
 در بیان خلق نمود
 عالمی از خلق خواهد بود
 در بیان خلق نمود
 عالمی از خلق خواهد بود
 در بیان خلق نمود

پوشانیده و ایشان را بصورت خلقت مخلوق این عالم در میان ایشان فرستاد و در وقتیکه رحلت نمودند این لباس عاریتی عنصر برپایه بدن نمودند و باز هم در زمان رجعت همین لباس را بپوشند و بدنیار جوع می نمایند زیرا که چون خود در جوع باین عالم میکشند لهذا باید همین بدن عنصری بوده باشند زیرا که بهترین صورتها و عنصری که موجود با این عالم است همان عناصر اربعه بدن شریف ایشان است که او را خلق نمود است و بالاتر و بهتر از آنها درین عالم غیر ممکن است لهذا باز باید همان بدن رجوع نماید که بهترین امدان همین عالم است و درین عالمها لباس عاریتی همان عوالم بود و بعد از اینکه این دوره این عالم خاکی بسر رفت و قیامت او برپا شد و حساب مردم کشیده شد و اهل بهشت او داخل بهشت و اهل جهنم او داخل جهنم شدند و مرا سر بریده و خداوند عالمان آسمان دیگر و زمین دیگر و خلق دیگر از ماده دیگر باز خلق میفرماید و باز همین محبتهای الهیه در میان ایشان باید برود و بلباس اهل این عالم و احکام و تکالیف و مکارم اخلاق و معارف خد و معرفت ثبات ثبوتیه و استقامت باید بایشان برسانند و این مراد از اهل آخرت میباشد در آن فقره زیارت و آثار از آخرت قیامت نیست زیرا که در قیامت تکلیفی نیباشد تا آنکه ایمه محبت باشند تا آنکه اگر چه ایشان محبت الهیه بسند و در همه اوقات و همه اکنه و از من و لیکن مراد و قیامت از اهل آخرت اهل محشر و قیامت نیباشد که ایمه محبت برایشان باشد اگر چه احتمال هم میرسد زیرا که خداوند در قیامت ایشان تمام محبت را بر او لاین و آخرین میفرماید در مقام رحمت

عالمی از خلق خواهد بود
 در بیان خلق نمود
 عالمی از خلق خواهد بود
 در بیان خلق نمود
 عالمی از خلق خواهد بود
 در بیان خلق نمود

عالمی از خلق خواهد بود
 در بیان خلق نمود
 عالمی از خلق خواهد بود
 در بیان خلق نمود
 عالمی از خلق خواهد بود
 در بیان خلق نمود

سنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم
سنت نبی و رسوله و اولی الامر
سنت ائمه و صلوات الله علیهم
سنت سادات و علمای اهل بیت
سنت اصحاب و تابعین
سنت خلفاء و سلفین
سنت بزرگان و اعیان
سنت مشایخ و کبار

وزمین نای آنها بعین زمین بوده اند یا غیر از آنها بوده اند معلوم نیست اما آنکه تفسیر
این حدیث شریف باید غیر از آنها بوده باشد چنانچه بعضی از فضلاء متا
خرین میگویند که عرش عبادت از علم الهی است و در عرش چندين هزار هزار
قنایل آویخته شده است و هر قنایلی مثل بر عالمی علیحده است از آسمانها
و زمینها و مخلوقات و تا بحال از او یک خداوند تبارک و تعالی بنامی خلقت
این عالم را گذاشته است هزار هزار قنایل بعالم بر روز و شهود و ظهور آمده اند
و دور ایشان بسر رفته اند باز آنها را خداوند متبدل با آنچه خواست است موقت
است و بعد ازین باید ازین قنایل مقدره معلومه بعالم بر روز و شهود
بیایند و این دنیا و مافیها از آسمانها و زمینها و عرش و کرسی و لوح و قلم یکی ازین قنای
ل متعدده مختلفه است و آیا بهشت و جهنم این عالم یکی است یا هر عالمی یک جهنم
و یک بهشت دارند و ظاهر از حدیث گذشته که هرگز بهشت و جهنم خالی از اهل
خود ندارند اند باید یکی باشند و احتمال هم دارند که متعدده باشند و الله العالم و تا
آفتاب و ماه و این نجوم مختص این عالم و این قنایل است و چون بهشت رحمت
الهیة است و فیوضات خدایه است انتهای از برای او نخواهد بود و بقدری
بزرگ و وسیع است که از همه چیزها و عوالم بزرگتر است بقوه تعالی و در همه بهشت
شیئی و جهنم هم چون مظهر قهر و غضب الهی است بقدریکه خدا نخواهد او را وسیع میگفت
و جو علی کل شیئی قدر پس معلوم شد که انبیه هدی حجت خدا بر اهل جمیع عوالم میباشد

در این عالم چنانچه در
جهنم است و در عرش چندين
هزار هزار قنایل آویخته
شده است و هر قنایلی مثل
بر عالمی علیحده است از
آسمانها و زمینها و
مخلوقات و تا بحال از او
یک خداوند تبارک و تعالی
بنامی خلقت این عالم را
گذاشته است هزار هزار
قنایل بعالم بر روز و شهود
و ظهور آمده اند و دور
ایشان بسر رفته اند باز
آنها را خداوند متبدل با
آنچه خواست است موقت
است و بعد ازین باید ازین
قنایل مقدره معلومه بعالم
بر روز و شهود بیایند و
این دنیا و مافیها از
آسمانها و زمینها و
عرش و کرسی و لوح و قلم
یکی ازین قنایل متعدده
مختلفه است و آیا بهشت
و جهنم این عالم یکی
است یا هر عالمی یک جهنم
و یک بهشت دارند و ظاهر
از حدیث گذشته که هرگز
بهشت و جهنم خالی از اهل
خود ندارند اند باید یکی
باشند و احتمال هم دارند
که متعدده باشند و الله
العالم و تا آفتاب و ماه
و این نجوم مختص این
عالم و این قنایل است و چون
بهشت رحمت الهیة است و
فیوضات خدایه است انتهای
از برای او نخواهد بود و
بقدری بزرگ و وسیع است
که از همه چیزها و عوالم
بزرگتر است بقوه تعالی و
در همه بهشت شیئی و
جهنم هم چون مظهر قهر
و غضب الهی است بقدریکه
خدا نخواهد او را وسیع
میگفت و جو علی کل شیئی
قدر پس معلوم شد که
انبیه هدی حجت خدا بر اهل
جمیع عوالم میباشد

در این عالم چنانچه در
جهنم است و در عرش چندين
هزار هزار قنایل آویخته
شده است و هر قنایلی مثل
بر عالمی علیحده است از
آسمانها و زمینها و
مخلوقات و تا بحال از او
یک خداوند تبارک و تعالی
بنامی خلقت این عالم را
گذاشته است هزار هزار
قنایل بعالم بر روز و شهود
و ظهور آمده اند و دور
ایشان بسر رفته اند باز
آنها را خداوند متبدل با
آنچه خواست است موقت
است و بعد ازین باید ازین
قنایل مقدره معلومه بعالم
بر روز و شهود بیایند و
این دنیا و مافیها از
آسمانها و زمینها و
عرش و کرسی و لوح و قلم
یکی ازین قنایل متعدده
مختلفه است و آیا بهشت
و جهنم این عالم یکی
است یا هر عالمی یک جهنم
و یک بهشت دارند و ظاهر
از حدیث گذشته که هرگز
بهشت و جهنم خالی از اهل
خود ندارند اند باید یکی
باشند و احتمال هم دارند
که متعدده باشند و الله
العالم و تا آفتاب و ماه
و این نجوم مختص این
عالم و این قنایل است و چون
بهشت رحمت الهیة است و
فیوضات خدایه است انتهای
از برای او نخواهد بود و
بقدری بزرگ و وسیع است
که از همه چیزها و عوالم
بزرگتر است بقوه تعالی و
در همه بهشت شیئی و
جهنم هم چون مظهر قهر
و غضب الهی است بقدریکه
خدا نخواهد او را وسیع
میگفت و جو علی کل شیئی
قدر پس معلوم شد که
انبیه هدی حجت خدا بر اهل
جمیع عوالم میباشد

در بیان این صفات
و صفات صفات این
نورانی و عبادت
قدرت و قوت
در بیان این صفات
و صفات صفات این
نورانی و عبادت
قدرت و قوت
در بیان این صفات
و صفات صفات این
نورانی و عبادت
قدرت و قوت
در بیان این صفات
و صفات صفات این
نورانی و عبادت
قدرت و قوت

این بابی که در بیان غیبت است
این بابی که در بیان غیبت است
این بابی که در بیان غیبت است
این بابی که در بیان غیبت است
این بابی که در بیان غیبت است

و اما در اتحاد لوح و قلم و عرش و کرسی محفل الوهین است احتمال اتحاد اولی است
و اقوی دایمه هدی جهت های الهی استند بر اهل جمیع عوالم و بلیاسهای متخذه مستعد
متلبس شده اند و خواهند هم شد و گاهی بلیاس نور و گاهی بلیاس سحی و گاهی
بلیاس اظنه و گاهی بلیاس انوار و گاهی بلیاس ذر در ذرات و گاهی بلیاس
اصلاب و ارحام و گاهی بلیاس عنضریه و بنویه و گاهی بلیاس برزخیه و باز در
همین عالم بلیاس عنضری خود متلبس شده تشرل باین عالم مینامد بجهت بی آمدن صحت
و حده آئیه و باز خلق این لباس را از خود نمودند الم بر رخ رفته تا قیامت بر پا
شود و در قیامت بلیاس تقاضت ظاهر شده تقاضت میکند و چون خداوند
بعد از قیام قیامت این عالم دیگر خلقی در بلیاس اهل آن عالم داخل آن عالم
میشوند و حجت آئیه را بر اهل او تمام کردند و هم چنین الی ماشاء الله تعالی کما یظن
مِنْ تَوَلَّيْهِ وَ حُجَّ آئِشِدْ عَلٰی اَهْلِ الدُّنْيَا وَاٰخِرَةُ وَاَلْاٰوَلٰی وَاٰیَادُ عَوَالِمٍ سَابِقَةٍ وَاٰخِرَةُ
این عالم خواهند بود و بوده اند رقتل و شهادت و مهوریت و مظلومیت یا نه
الوجهین است و شاید چون فیو نجات ناقصه آئیه لا تعد و لا تحصى است و باید در
جمیع عوالم فیوضات آئیه با ایشان برسد بعضی آنها مع الاسباب و بعضی بلا اسباب
است لهذا میتوان احتمال داد که این وقوع واقعات و قضیات خاصه موجب
از دیار ایشان در هر عالمی شده باشد و بشود و احتمال دارد که این قضایا در همین
عالم از برای ایشان واقع شده باشد و الله العالم بحقایق اسرار و وقایع رموز

این بابی که در بیان غیبت است
این بابی که در بیان غیبت است
این بابی که در بیان غیبت است
این بابی که در بیان غیبت است
این بابی که در بیان غیبت است

این بابی که در بیان غیبت است
این بابی که در بیان غیبت است
این بابی که در بیان غیبت است
این بابی که در بیان غیبت است
این بابی که در بیان غیبت است

بسیار از کتب معتبره در این باب است و در بعضی از آنها آمده است که در روز قیامت هر کس که در این کتاب شکی داشته باشد...

افزوده و بعضی عالم دیگر را هم در کتاب مشکوٰه الافوار نقل کرده ام نور و ویم در بیان کیفیت رجعت است بدانکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین و ائمه طاهریین صلوة الله علیهم اجمعین در دنیا رجوع خواهند نمود چنانچه ذاتی و اخبار خاصه در رجعت ایشان مختلف وارد شده است بعضی دلالت دارد که همه ائمه با رجعت حضرت رسول رجعت می کنند و تشکی از ظالمین و غاصبین حق نموده قائلین و قاهرین مصر خود بان حضرت میکنند و بعضی دلالت دارد که با حضرت امیر المؤمنین سلام الله علیه رجعت میکنند و عالمان و حاکمان آن حضرت در بلاد خواهند بود و سلطان عالم امیر المؤمنین خواهد بود در آن زمان و بعضی دلالت دارد که رجوع می کنند مطلقا و دیگر آیار رجوع ایشان معتقد خواهد بود خدا با وداناست و تشکی ایشان و حکومت ایشان در بیک رجعت خواهد بود الله العالم بیکر اینکه از برای امیر المؤمنین نکر در دفعات رجوع خواهد بود با قطع و این نظر کثرت اخبار استغیبه خاصه و لیکن خبری بخصوص رجعت از اخبار عامه تا بحال بنظر نرسیده است الا اخبار بکه دلالت بر حضور حضرت مهدی علیه السلام که از روایت نمودیم پس با رجوع می کنیم به تتمه حدیث شریف سابق الذکر منقول ابن عمیر که حضرت صادق آل محمد او را روایت میکند و فرمود با و آنچه را که گذشت تا آنکه فرمود ای مفضل بیرون خواهد آمد سید اکبر محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با هر که با و ایمان آورده است از مهاجرین و انصار و غیر ایشان و هر کس که در جهاد با و در کتاب

بسیار از کتب معتبره در این باب است و در بعضی از آنها آمده است که در روز قیامت هر کس که در این کتاب شکی داشته باشد...

در این کتاب آمده است که در روز قیامت هر کس که در این کتاب شکی داشته باشد...

حکایت از کتب اربعه
در بیان غم منانان
میتواند و هیچ اصل
بسیار و نصیب و گاهی
بسیار و نصیب و گاهی
حکایت از کتب اربعه
در بیان غم منانان

و ظاهر خواهند شد یا نه آن حضرت فرمود بلی ناچار است ایشان را که جمع روی
درین را بگردند حتی پشت کوه قاف را و طلقات و آنچه در طلقات و سیر نمایند
جمع دریاها را تا آنکه هیچ موضعی از زمین نماند مگر آنکه ایشان او را طی نمایند و درین خط
را بر پا بدارند و شاید این کلمات را آن جناب بقدر فهم راوی فرموده باشد و الا
بیع عوالم و موجودات در نظر امام علیه السلام مشاهد و محسوس مثل گفت دست
و خواهد بود هر گاه نخواهند و اتقات نمایند احتیاج بسیر نمودن ندارند و یا
نمک منظور آن حضرت این بوده است که بقوه بشریت و بدن انسانیست بطریق
سیر اقتضای این بدن عنصری سیر باید بنمایند جمع روی زمین و دریاها را نه بطریق
شاهده و احاطه علمی چنانچه سابق بر این گذشت پس آن جناب فرمود ای
مفضل کویا می بینم آن روز را که ما کرده اما مان در نزد جد بزرگوار حضرت رسول
ایتاده باشیم و آن حضرت شکایت نمائیم از آنچه بر ما واقع شده باشد از
کردار این امت جناکار بعد از رحلت حضرت رسول مختار و از آنچه با کرده
از تکذیب و رد گفته های ما و دشمنی کردن و دشنام دادن و لعن کردن و ترسان
نیدن خلفاء جور ما را بگشتن و پیرون نمودن از حرم خدا و جدا کردن رسول خدا صلی
الله علیه و آله و سلم بشهزادی ملک خود و شهید نمودن ما را بشیر و زهر و جس
نمودن ما را پس حضرت رسالت پناهی چون شکایتهای ما معاشره می بردی را
بشنود و گریان کرده و فرماید ای فرزندان من نازل نشده است بشما مگر آنکه تجدید شما

حکایت از کتب اربعه
در بیان غم منانان
میتواند و هیچ اصل
بسیار و نصیب و گاهی
بسیار و نصیب و گاهی
حکایت از کتب اربعه
در بیان غم منانان

حکایت از کتب اربعه
در بیان غم منانان
میتواند و هیچ اصل
بسیار و نصیب و گاهی
بسیار و نصیب و گاهی
حکایت از کتب اربعه
در بیان غم منانان

این عمارت که از خون کسان ساخته اند هر چه در آنجا می افتد بر آنجا می رسد
 این عمارت که از خون کسان ساخته اند هر چه در آنجا می افتد بر آنجا می رسد
 این عمارت که از خون کسان ساخته اند هر چه در آنجا می افتد بر آنجا می رسد

پیش از شوار و شده است پس ابتدا نماید حضرت صدیق کبری فاطمه زهرا سلام
 الله علیها و شکایت نماید از فلان و فلان که با آب آلوده کردی تو بمن مرحمت فرمودی
 بحکم خداوند عالمان از من غضب نمودند و چندان که چهار برابر ایشان تمام نمودند
 سو دند او و نامزدی که تو از برای من نوشته بودی در باب فدک رجم گرفت و در خصوص
 مهاجر و انصار آب و هن خود را بر او انداخت و او را پاره پاره نمود و من بری
 قبر مظهر تو آدم ای پدر بزرگوار و شکایت ایشان را بتو نمودم و فلان فلان بقیه
 بنی ساعده رفتند و با منافقان دیگر اتفاق نموده خلافت و امانت را از ما گرفتند
 و حال آنکه تو او را بشهرم علی بن ابیطالب داده بودی و اکتفا باین نگردند تا آنکه آمدند
 که جبراً و قهراً او را بمسجد بکشند در حضور مهاجر و انصار و بگردن ما بیعت بغیر نمایند
 چون او از رفتن ایبا و اتعاج داشت بمنزیم آوردند و بدرخانه رسالت جمع نمودند
 که اهل بیت تو را بوزانند پس من فریاد بر آوردم که ای فلان این چه جرئت است که بخدا
 و رسول او مینمائی و میخواهی که نسل حضرت رسول را از روی زمین براندازی فریاد
 کرد که ساکت شوای فاطمه که تلاکب بیایند و امر ونهی از آسمان بیاورند علی را بگو که برو
 بیاید و با کسی که مسلمانان با او بیعت نموده اند بیعت کند و الا آتش میان ما از هم جدا
 شما را بوزانم پس من عرض کردم خداوند ابوشکایت میکنم از اینکه پیغمبر تو از میان
 ما رفته است و آتش کافر شدند و حق ما را غضب نمودند پس مرغ فریاد زد که حرفها
 و محفانه زانرا بکنار بگذار و بگوشه برو که خدا امانت و خلافت و پیغمبر را در کنجا

این عمارت که از خون کسان ساخته اند هر چه در آنجا می افتد بر آنجا می رسد
 این عمارت که از خون کسان ساخته اند هر چه در آنجا می افتد بر آنجا می رسد
 این عمارت که از خون کسان ساخته اند هر چه در آنجا می افتد بر آنجا می رسد

این عمارت که از خون کسان ساخته اند هر چه در آنجا می افتد بر آنجا می رسد
 این عمارت که از خون کسان ساخته اند هر چه در آنجا می افتد بر آنجا می رسد
 این عمارت که از خون کسان ساخته اند هر چه در آنجا می افتد بر آنجا می رسد

سید زین العابدین علیه السلام در روز عاشورا
در کربلا کشته شد و در آن روز
در کربلا کشته شد و در آن روز
در کربلا کشته شد و در آن روز

جمع نخواهد نمود و خواست داخل خانه شود و من خواستم او را مانع شوم از دخول خانه
بالی احترامی نمودن او و جرات نمودن او بشهر و ابن عم من علی ابن ابیطالب رو
نه الفدا که نگاه بالکدر در راه دیده پهلوی من و تازیانه را بلند نمود و بر مژگونی من زد و
فرزند محسن نام شمش ماهه مرا ایستاد نمود من فریاد زدم که یا ایاه یا رسول الله و خرد
فاطمه را در و غمگینا بیند و تازیانه بر او میزند و فرزندش را شهید مینماید و از این غم
والم خواستم که کیو بکشایم و تقریرین نمایم که حضرت امیرالمؤمنین چون مرآبان احوال
دید فرمود آید خرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پدر تو رحمة للعالمین بود ترا
بند او ند عالمان قسم میدهم که مقننه از سر کشانی و سر با سمان بلند کنی و الله اگر چنین
کسی را در دنیا و تعالی یک جنبه در روی زمین و یک پرند در روی هوا نخواهد ماند و نخوا
گذشت پس بخانه برگشتم و باین احوال با در دوالم باقی ماندم تا از جهان آزار و درد شهید
شدم و کیفیت احوال حضرت فاطمه سلام الله علیها را با حضرت یقین بطریق
اخبار اهل سنت و جماعت در کتاب سیف الشیخ نوشته ام پس بعد از او برخیزد
حضرت مولای متقیان و امیر مؤمنان علی بن ابیطالب صلوة الله و سلامه علیه و
شکایت نماید که یا رسول الله چون از دنیا رحلت فرمودی جمعی از امت و از پی
تو در سقیفه بنی ساعده جمع شدند و بتاتقی خلافت تو را غضب نمودند و من چون
و معینی نداشتم چندین شب بیخانه هاجر و انصار یادم و فرزند نامدار تو حسن و
علیهما اسلام رفتم و از آن جماعتی که مکرر بیعت خلافت مرا از ایشان کردند

سید زین العابدین علیه السلام در روز عاشورا
در کربلا کشته شد و در آن روز
در کربلا کشته شد و در آن روز
در کربلا کشته شد و در آن روز

کتابت در روز عاشورا
کتابت در روز عاشورا
کتابت در روز عاشورا
کتابت در روز عاشورا

بیتاوانی و این بخت را در دست خود نگه دارید
 خدا را در این دنیا و آخرت بپرستید
 زینکای خبیثی که در این دنیا و آخرت
 در جیبان کوز با یک دست بر سر
 بر سر و در این بخت را در دست خود نگه دارید

در وانه بسمت مدینه شدم و ایشان را بحال خود واکتر کردم پس همی از ایشان
 بتردمن آمدند و بیان نمودند که اینک معاویه لشکر با بنابر فرستاده است و مسلمانان
 غارت کرده اند و زمان و اطفال یکن در کشته شده اند با ایشان جهاد کنیم
 با آنها گفتیم شمارا و فانی باشد و بترد معاویه خواهد رفت و دست مرا خواهد شکست
 و مرا مضطر خواهد نمود که با معاویه صلح نمایم پس همی فرستادم در مقابل لشکر معاویه
 آنچه چنان شد که من با ایشان گفته بودم مرا تنها گذاشتند و بشکر که معاویه علیه الهام
 طغی کردیدند و مرا غارت نمودند و مرا از خم زدند پس بناچار با ملعون صلح نمودم
 که خون خود و شیعه خود را حلقه کنم پس آدم بدینه طیبیه و عبادت الهی مشغول شدم
 الا معاویه سوخته الکس فرستاد و بدستگیری زنی بمن خوانید که معاویه و دو پسر
 بگرم فرود آمدند شهید شدم پس بر خیزد امام معصوم و شهید مظلوم گلگون قیامی
 معرکه کرد با حضرت مولانا ابی عبد الله الحسین صلوات الله و سلامه علیه که با خود
 خود خضاب نموده باشد با همه شهدا بیگره در کربلای معلی با آن حضرت بدرجه رفیع
 شهادت رفیع شهادت رسیده اند پس چون حضرت خاتم الانبیاء آن حالت را
 مشاهده فرماید گریان شود بحدی که مثل پشه شدن شود و صبح زند که زمین بلرزد پس
 آن حضرت را بینه مبارک خود بچپاند و فرماید فدایتونم ای حسین دیدم تو در
 باد و دیدم من در باره تو روشن باد و دیدم من در باره تو روشن باد و در آن حال
 حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام من هم بدعت راست حضرت رسول صلی الله

بیتاوانی و این بخت را در دست خود نگه دارید
 خدا را در این دنیا و آخرت بپرستید
 زینکای خبیثی که در این دنیا و آخرت
 در جیبان کوز با یک دست بر سر
 بر سر و در این بخت را در دست خود نگه دارید

بیتاوانی و این بخت را در دست خود نگه دارید
 خدا را در این دنیا و آخرت بپرستید
 زینکای خبیثی که در این دنیا و آخرت
 در جیبان کوز با یک دست بر سر
 بر سر و در این بخت را در دست خود نگه دارید

بیتاوانی و این بخت را در دست خود نگه دارید
 خدا را در این دنیا و آخرت بپرستید
 زینکای خبیثی که در این دنیا و آخرت
 در جیبان کوز با یک دست بر سر
 بر سر و در این بخت را در دست خود نگه دارید

هر یکی چون او را از آنجا که او همان
 بل جان و از آنجا که او همان
 علی بن ابی طالب
 علی بن ابی طالب
 علی بن ابی طالب

واله و سلم ایستاده باشد و حضرت فاطمه زهرا علیها سلام الله از جانب چپ ایستاده
 باشد و حضرت حمزه سید الشهداء در جانب چپ حضرت خاتم آل عباس باشد
 ایستاده باشد و از جانب حضرت خاتم آل بیت جعفر طیار باشد پس خدیجه کبری فاطمه
 زهرا و امیرالمؤمنین علیه السلام محسن سقط شده در خون طلیده را بر روی دست
 بگیرند و بخدمت آن حضرت بیاورند پس درین حال حضرت فاطمه زهرا و بتول
 عذراء این آیه شریفه را بخوانند که مضمون او این است که آن روزیکه وعده بشما میدادند
 که باید هر نفسی آنچه کرده است از کار خیر ظاهر کرده شود و آنچه را کرده است از کار
 شرار از و کند که کاش میانه او و آن کار شرور بی بسیار بود پس چون کلام معجز تمام
 آن قهر کرام باین مقام رسید بسیار کرست و فرمود روشن مبادید که در ذکر این
 قصه پر غصه گریان نشود پس منفضل عرض نمود که ای سید و مولای من ثواب گریه بر آن
 حضرت چه قدر است فرمود ثواب غیر قنای او دارد از برای گریه کتفه شیبه پس
 منفضل میگوید من تیر بسیار گریتم و پرسیدم ای سید من دیگر چه خواهد شد آن حضرت
 فرمود در این حال حضرت فاطمه سلام الله علیها بر خیزد و عرض کند پروردگارا تو وفا
 فرمای بود عده که بمن فرموده در خصوص آنها که بر ما ظلم و ستم و جور نموده اند و حق ما را
 غضب کرده اند و ما را زدند و به فرج آوردند و ستمها تنگ بر جمیع اولاد من نموده
 اند پس بگریه و زاری او جمیع اهل آسمانها از طایفه و حله عرش بگریه در آیند و هر کس
 که در روی زمین در تحت شرمی نباشد فروش بر آوردند پس باقی نماز احدی از شما

در این ایستاده باشد و حضرت فاطمه زهرا
 در این ایستاده باشد و حضرت حمزه سید الشهداء
 در این ایستاده باشد و از جانب حضرت خاتم آل بیت
 در این ایستاده باشد و خدیجه کبری فاطمه زهرا
 در این ایستاده باشد و امیرالمؤمنین علیه السلام
 در این ایستاده باشد و بتول عذراء این آیه شریفه
 در این ایستاده باشد که مضمون او این است که آن روزیکه
 در این ایستاده باشد که باید هر نفسی آنچه کرده است
 در این ایستاده باشد که کاش میانه او و آن کار شرور
 در این ایستاده باشد که بی بسیار بود پس چون کلام
 در این ایستاده باشد که معجز تمام آن قهر کرام باین
 در این ایستاده باشد که مقام رسید بسیار کرست و
 در این ایستاده باشد که فرمود روشن مبادید که در ذکر
 در این ایستاده باشد که این قصه پر غصه گریان نشود
 در این ایستاده باشد که پس منفضل عرض نمود که ای
 در این ایستاده باشد که سید و مولای من ثواب گریه بر
 در این ایستاده باشد که آن حضرت چه قدر است فرمود
 در این ایستاده باشد که ثواب غیر قنای او دارد از برای
 در این ایستاده باشد که گریه کتفه شیبه پس منفضل
 در این ایستاده باشد که میگوید من تیر بسیار گریتم و
 در این ایستاده باشد که پرسیدم ای سید من دیگر چه
 در این ایستاده باشد که خواهد شد آن حضرت فرمود در
 در این ایستاده باشد که این حال حضرت فاطمه سلام
 در این ایستاده باشد که الله علیها بر خیزد و عرض کند
 در این ایستاده باشد که پروردگارا تو وفا فرمای بود
 در این ایستاده باشد که عده که بمن فرموده در خصوص
 در این ایستاده باشد که آنها که بر ما ظلم و ستم و جور
 در این ایستاده باشد که نموده اند و حق ما را غضب کرده
 در این ایستاده باشد که اند و ما را زدند و به فرج آوردند
 در این ایستاده باشد که و ستمها تنگ بر جمیع اولاد من
 در این ایستاده باشد که نموده اند پس بگریه و زاری او
 در این ایستاده باشد که جمیع اهل آسمانها از طایفه و
 در این ایستاده باشد که حله عرش بگریه در آیند و هر
 در این ایستاده باشد که کس که در روی زمین در تحت
 در این ایستاده باشد که شرمی نباشد فروش بر آوردند
 در این ایستاده باشد که پس باقی نماز احدی از شما

ای سید من تیر بسیار گریتم و پرسیدم ای سید من دیگر چه خواهد شد آن حضرت فرمود در این حال حضرت فاطمه سلام الله علیها بر خیزد و عرض کند پروردگارا تو وفا فرمای بود عده که بمن فرموده در خصوص آنها که بر ما ظلم و ستم و جور نموده اند و حق ما را غضب کرده اند و ما را زدند و به فرج آوردند و ستمها تنگ بر جمیع اولاد من نموده اند پس بگریه و زاری او جمیع اهل آسمانها از طایفه و حله عرش بگریه در آیند و هر کس که در روی زمین در تحت شرمی نباشد فروش بر آوردند پس باقی نماز احدی از شما

کتاب صافش کرده اند و کل روزگار
ای برودن اندک روزگار
جان پادشاهی کرده اند
کدام از فضل و قدر بدان
کدام از فضل و قدر بدان
کدام از فضل و قدر بدان
کدام از فضل و قدر بدان

بزرگوار خود از ظالمین و فاسقین و قاجرین و ناصین و منافقین و کافرن و عرض کنند
یا جدایا رسول الله مراد صفت فرمودی از برای مردم و دولت نمودی و نام و
و کینه مرا از برای ایشان بیان فرمودی پس امت تو مرا انکار نمودند و اطاعت
نکردند و بعضی گفتند که متولد شده است و بعضی گفتند بعد از تو مردد اگر میبود آنچه
غایب نمیشد پس بر ظلم ظلام صبر نمودم تا آنکه خداوند ظهور حال داده است مرا پس
چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم این شکیات مختلفه بشنود فرماید ان الله لذل
صد قنا و حده و اورشنا الارض و نبوءه من هنا حيث نشاء فقیم اجر العاطلین یعنی حد
خدای آن چنانست که دست گردانید و حده خود را از زمین را با میراث داد که برود
بهر جای از او که میخواهم پس نیکو عیاشی را بر عمل کننده گان از برای خدا پس خداوند
عالیان هر یک از ظالمان و فاسقان و کافران و منافقان و ناصیان حق ایشان را
زنده نماید و انتقام هر یک از آل محمد را از هر یک از ایشان بکشد پس معروف
شده است در میان مردم که قصاص بقیامت نیماند و باید رحمت همین بدن مختصر
دنیوی واقع شود نه آنکه میدان مثالی با روح تنهائیدن دیگر و دخل شود یا آنکه زمان
رحمت مثل عالم خیال باشد زیرا که همه اینها مخالف اخبار عدیة صادره از ائمه
الطهاره علیهم سلام الله الماک الغفار باشد نورستیم در بیان کیفیت و
کیست ظهور نور زمان رحمت واقع خواهد شد و چه واقع
میشود در زمان رحمت و ما چند حدیث از او بیان میکنیم تا آنکه چشم

مجلسی القمینی نو اندازد
روزگار از شب
صومعه از دانه بزرگی
دو فن بنام دوام
فهم و ادراک
تکلیف نمودن
سکایت نمودن
داوده از انسان
نورانی از این
اب چون دینی از این
نورانی از صفای
مبین که نماند
روشنی نورانی
کتاب بنام دوام
در بیان نورانی

کتاب بنام دوام در بیان نورانی
در بیان نورانی
در بیان نورانی
در بیان نورانی

این سنی میراث حضرت زین العابدین است
در زمان ائمه اربعین و در زمان حضرت زین العابدین
در زمان ائمه اربعین و در زمان حضرت زین العابدین
در زمان ائمه اربعین و در زمان حضرت زین العابدین

تبعیان روشن شود و در حدیث مفصل و حدیث حاکم شدن این از جانب رحمت
جوانب امیرالمؤمنین سلام الله علیه چنین معلوم میشود که این بدی علیه سلام متعدد
رجعت نمایند یک دفعه که در زمان ظهور حضرت قائم عجل الله فرجه که ظهور و رجوع نمایند
و شکایت از ظالمین خود و ظالمین عصر خود نمایند و یک دفعه با امیرالمؤمنین روحی فدا
که حکام او شوند و احتمال دارد که در آن زمان که رجعت نمودند در دنیا باقی بمانند
تا زمانی که سلطنت غنهی با امیرالمؤمنین شود که ایشان عادلان و حاکمان آن حضرت شوند
و این بعد است زیرا که حضرت سیدالشهدا علیه السلام اولاً رجوع میکند و سلطنت
بیاری خواهد نمود و بعد امیرالمؤمنین چهارم و شاه تمام روی زمین خواهد شد پس از چهار
عده معتبره چنین ظاهر میشود که اول کسی که بدینا رجوع میکند بعد از ظهور حضرت قائم
اجتاب خاس آل عباسید الشهداء حسین ابن علی ابی طالب علیهما السلام خواهد بود با
و دو تن شهداء و شت کربلاء معلی که با او بودند و در خبری وارد شده است که آن
حضرت با مقتدر غیر بدینا رجعت نماید که آن جناب را مردم بشناسانند که این حضرت
سیدالشهدا است که در کربلا معلی شهید شده است تا آنکه همه مردم او را بشناسانند
و شک در رجعت او نکنند چنانچه رجوع نمودند با موسی بن عمران از کوه طور مقتدر
خطایه بود که شهادت دادند که خدا با موسی تکلم نمود بعد از آنکه بصاعت مردند و زنده شدند
و در خبری وارد شده است که جمیع اصحاب آن حضرت که در رکاب سعادت نواب
جناب شهید شده اند بدینا با او رجوع نمایند و خودهای مظلوم بر سر ایشان باشد و در خبری

این سنی میراث حضرت زین العابدین است
در زمان ائمه اربعین و در زمان حضرت زین العابدین
در زمان ائمه اربعین و در زمان حضرت زین العابدین
در زمان ائمه اربعین و در زمان حضرت زین العابدین

این سنی میراث حضرت زین العابدین است
در زمان ائمه اربعین و در زمان حضرت زین العابدین
در زمان ائمه اربعین و در زمان حضرت زین العابدین
در زمان ائمه اربعین و در زمان حضرت زین العابدین

فقر اینجا خود غافل اینچنان
 با نسیجی چه اشکوار چه نسیجی
 این جهان توانی گزیند از آن
 که در حقش را درستی از آن
 که در حقش را درستی از آن
 که در حقش را درستی از آن

دارد شده است که آنحضرت با هفتاد هزار نفر صدق رحمت فرماید و در خبری وارد
 شده است که با دو ائمه هزار صدق بدینارجع نماید و اخبار در رجوع اشخاصیکه با
 در رجوع اشخاصیکه باید در خدمت آنجناب باشند مختلفه است ولیکن جمع قبولان در
 میان همه نمود باینکه شاید این مذکورین همه یک نفع با در رجوع نمایند طایفه و هر
 یک از این اخبار محمول بر یکطایفه از آنها بوده باشند و شاید همه اینها بدفعات متعدد
 رجوع نمایند و در خدمت او برزند و در رکاب سعادت آنجناب او باشند و ممکن
 که چند دفعه آن حضرت رحمت نمایند و هر دفعه یکطایفه در خدمت او باشند و آن
 العالم و ایضا در حدیثی وارد شده است که اول کسی که بدینارجع نماید حضرت
 سید الشهداء علیه السلام باشد و آن جناب آنقدر در دنیا سلطنت نماید که موی
 ابروی او سفید شود و بروی چشم مبارک او میفتد و در خبری دیگر است که بعد
 سیصد سال و نه پادشاهی تمام روی زمین را بنیاید بدون شریک و شهبی و در خبر دیگر
 شده است که آنحضرت هفتاد هزار سال سلطنت نماید و ایضا جمع میان
 این اخبار مختلفه میتوان نمود باینکه همه این مدتها سلطنت نماید و در بعضی ازین ازینتها
 باشد و در بعضی از اینها با حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیرالمؤمنین
 علیه السلام و حضرت قائم عجل الله فرجه خواهد بود و در بعضی از این اوقات سلطنت
 روی زمین شود و در بعضی اوقات سلطان بعضی اومی زمین شود و در بعضی اوقات
 مستقل باشد و در بعضی اوقات از جانب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در سلطنت

بسی غافل اینچنان
 با نسیجی چه اشکوار چه نسیجی
 این جهان توانی گزیند از آن
 که در حقش را درستی از آن
 که در حقش را درستی از آن
 که در حقش را درستی از آن

فقر اینجا خود غافل اینچنان
 با نسیجی چه اشکوار چه نسیجی
 این جهان توانی گزیند از آن
 که در حقش را درستی از آن
 که در حقش را درستی از آن
 که در حقش را درستی از آن

در بیان کلیه اینها در حدیث و اخبار و کتب معتبره و در بیان کلیه اینها در حدیث و اخبار و کتب معتبره

نماید بلکه مراد از بعضی این سالها سالها آن زمان باشد که هر سال او مقابله ده سال از این سالهاست و ایضا شیخ قطب الدین راوندی و غیره از او از علی او و محمد ثین رضوان الله علیه اجمعین روایت نموده اند از حضرت اولی متصرف در باطن و ظاهر حضرت امام محمد باقر علیه السلام در طیف کربلا قبل از وصول بدرجه رفیع سعادت اخلاص صاحب خاص الخاص خود را جمع نموده و خطبه بلیغی انشاء فرمود و فرمود روزی قدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود من آمده باشم که تو را بر آق بطلبند و تو بروی در زمینی که انبیا و اوصیاء ایشان در آن زمین با هم ملاقات نموده و بنمایند و او را عمر آتیا مند و تو را با حاجتی از اصحاب تو در آنجا شهید نمایند که در آهمن ایشان نزد پس آیت مبارکه یا ما زکو فی برد او سلاما علی ابراہیم را تلاوت فرمود و فرمود ای فرزند چنانچه آتش با مرا آبی برابر ابراهیم علیه السلام سرد و سالم شد آتش نبرد و جنگ نیز بر تو و اصحاب تو سرد و سالم شود بشارت باد شما را که اصحاب بهتر از اصحاب خود در روی زمین نمی بینم و ادسه که ایشان چون بار بگشاید بترد پیغمبر خود میرویم و میمانیم در آن عالم بقدریکه خداوند عالمیان میخواهد پس اول کسی که در سقاقت خواهد شد و از پیش از قیامت بیرون بیاید من باشم و بیرون خواهم آمد از خود که موافق باشد با بیرون آمدن حضرت امیر المؤمنین و با ظاهر شدن حضرت قائم امام محمد صلی الله علیه و آله و سلم پس گروهی از ملائکه ندا بر من نازل شوند از جانب پروردگار عالمیان که هرگز پیش از آن زمین نازل نشده باشند و نازل شود بر من جبرئیل و میکائیل

در بیان کلیه اینها در حدیث و اخبار و کتب معتبره و در بیان کلیه اینها در حدیث و اخبار و کتب معتبره

در بیان کلیه اینها در حدیث و اخبار و کتب معتبره و در بیان کلیه اینها در حدیث و اخبار و کتب معتبره